

عنوان مقاله:

بازنگری در باب ارتباط معرفت پیشینی و ضرورت

محل انتشار:

فصلنامه آینه معرفت، دوره 16، شماره 4 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

سید احمد غفاری قره باغ - موسسه حکمت و فلسفه ایران

خلاصه مقاله:

معرفت پیشینی دارای تعاریف زیادی در فلسفه غرب دارد که رایج ترین آنها، استقلال توجیه گزاره از تجربه حسی است. تجربه در تعریف فوق، باید به معنای تجربه حسی ظاهری، تعبیر شود؛ چرا که در غیر این صورت، این تقسیم، از بین می رود و مصداقی برای گزاره پیشینی باقی نمی ماند. ضرورت در محل بحث این مقاله، به معنای وجوب است که یکی از مواد ثلاث مطرح در علم منطق است. به نظر می رسد تفکیک پلنتینجا میان ضرورت عینی و قضیه ای، هر چند به لحاظ مفهومی، قابل قبول است، لیکن به لحاظ مصداقی ثمره ای ندارد. نویسندگان معتقد است که میان معرفت پیشینی و ضرورت، رابطه ملازمه برقرار است؛ یعنی هر معرفت پیشینی، لزوماً ضروری نیز است؛ لیکن این سخن که معرفت پسینی نمی تواند حاوی ضرورت باشد - ضرورت به معنای ماده، نه به معنای جهت - و ضرورت منحصر در معرفت پیشینی است، محل اشکال است، هر چند ضرورت به معنای جهت، تلازم با پیشینی بودن معرفت دارد.

کلمات کلیدی:

معرفت پیشینی، ضرورت، تجربه، ضرورت عینی و قضیه ای

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1294700>

